

بررسی کاهش سرعت رشد نقدینگی و پایه پولی در دولت سیزدهم نشانه انضباط پولی است

## رشد پایه پولی، ۴ برابر کمتر از قبل

- رشد نقدینگی در بهار ۱۳۹۹ در حدود ۵/۸ درصد و در سال ۱۴۰۰ در یک رکورد تاریخی به ۶/۱ درصد رسیده که بالاترین رشد نقدینگی در فصل بهار در ۲ دهه اخیر بوده است. سرعت رشد نقدینگی اما در بهار ۱۴۰۱ به رقمی کمتر از سال ۱۳۹۹ رسیده و در حدود ۵/۵ درصد ثبت شده است
- بالاترین رشد نقدینگی در پاییز ۱۴۰۰ رقم خورده که دولت سیزدهم به تازگی کنترل امور را در دست خود گرفته بود

است و بی‌سابقه‌ترین رکوردها را به نام خود ثبت کرده است. این در حالی است که رشد اقتصادی تجمیعی طی دولت روحانی نه تنها صفر نبوده، بلکه پایین‌تر از آن است. مقایسه ارقام رشد نقدینگی و پایه پولی قبل و بعد از تحریم‌های امریکا (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که حتی قبل از آن هم میانگین رشد نقدینگی در اقتصاد در حدود ۲۲ درصد و میانگین رشد پایه پولی نیز ۱۷ درصد بوده که در سال‌های بعد از تحریم تشدید شده است. بنابراین بدون تحریم‌ها هم وضعیت پولی و مالی کشور بدون حساب و کتاب بوده و اقتصاد کشور از بی‌انضباطی مالی و بودجه‌ای برخوردار بوده است. در واقع دولت روحانی به دلیل عدم دستیابی به درآمدهای پیش‌بینی‌شده در فروش دارایی‌های سرمایه‌ای، دارایی‌های مالی، مولدسازی دارایی‌ها و همچنین درآمدهای مالیاتی طی چند سال اخیر موفق به پوشش هزینه‌های خود نشد. در مقابل برای اهداف انتخاباتی و جذب رضایت اقلشار مختلف مجبور به بودجه‌ریزی انبساطی، افزایش بدون پشتوانه حقوق‌های کارمندان و کارکنان خود کرد که بار اضافی بر دوش کسری بودجه در آن زمان بوده است. برای حل این موضوعات نیز به جای اصلاح امور اقتصادی داخلی به دنبال توافق با امریکا و تجارت با غرب بوده که این مهم قطعاً در اولویت بعد قرار داشته است. نتیجه این تصمیمات، احتیاج بیش از حد دولت روحانی به «چاپ پول» برای تأمین وعده‌ها و سوءمدیریت‌ها بوده که در این مسیر بانک مرکزی غیرمستقل کشور را نیز همراه خود کرده است. این روزها از نقدینگی ۵۱۰۰ هزار میلیارد تومانی و نرخ رشد بالای آن در دولت سیزدهم کم نشنیده‌اید. نقدینگی از متغیرهای بسیار مهم اقتصادی است که اگر نخواهیم یا نتوانیم نرخ بالای تورم را به کلی به آن نسبت دهیم، دست‌کم می‌توانیم بخشی از تورم را با اعداد و ارقام آن توضیح دهیم. بررسی آمارها نشان می‌دهد، به رغم اینکه دولت سیزدهم وارث بی‌قواره‌ترین آمارهای پولی در کشور بوده اما تلاش‌های مثبت و مؤثری در زمینه کنترل رشد آن صورت گرفته است که در ادامه میزان موفقیت و توفیق حاصل شده در این موارد را بررسی کرده‌ایم.

**کنترل رشد نقدینگی زیر ۳۸ درصد بعد از دو سال**

همان‌طور که گفته شد بر اساس آخرین آمارها، میزان رشد نقدینگی در پایان

آخرین گزارش بانک مرکزی از تحولات پولی کشور از کنترل سرعت پایه پولی و نقدینگی حکایت دارد و به آن دلیل که تورم معلول این دو متغیر بوده، کنترل رشد تورم نیز اتفاق افتاده و در آینده نیز می‌تواند ادامه پیدا کند. با وجود اجرای سیاست‌های اصلاحی در امور بارانه‌ها و شوک تورمی آن، آخرین آمار ارائه شده از سوی بانک مرکزی در خرداد ماه ۱۴۰۱ از امیدواری به آینده کل‌های پولی کشور حکایت دارد. با گذشت حدوداً یک سال از آغاز به کار دولت سیزدهم، سرعت رشد سالانه نقدینگی بعد از حدود دو سال پایین‌تر از ۳۸ درصد تثبیت شده و در ماه‌های فروردین، اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱ به ترتیب ۳۸/۲، ۳۷/۳ و ۳۷/۸ درصد بوده است. همچنین با وجود اینکه میزان پایه پولی در خرداد ماه متجاوز از ۶۴۰ هزار میلیارد تومان بوده اما این آمارها نشان می‌دهند که برای اولین بار است بعد از ۳۰ ماه رشد سالانه پایه پولی کمتر از ۳۰ درصد بوده است. در ۳۰ ماه اخیر میانگین رشد ماهانه پایه پولی ۲/۵ درصد بوده که رشد ماهانه خردادماه با منفی ۴ درصد چهار برابر کمتر از این مقدار بوده و نشان از کاهش سرعت رشد پایه پولی دارد. اگر متغیر نقدینگی را متأثر از دو متغیر؛ پایه پولی، ترازنامه بانک‌ها بدانیم، کنترل رشد پایه پولی و همبستگی آن با نقدینگی می‌تواند در آینده نه چندان دور اقتصاد ما را با کنترل یا حتی کاهش سرعت رشد نقدینگی همراه کند. همچنین اعمال سیاست‌های نظارتی و عملیات‌های انقباضی بانک مرکزی موجب جلوگیری از بسط بی‌رویه و بدون هدف ترازنامه بانک‌ها خواهد شد که ادامه آنها نیز تأیید می‌کند که خلق نقدینگی از درون سیستم بانکی نیز به اعداد قابل توجیحی خواهد رسید. در این گزارش پرونده پولی دولت سیزدهم در یک سال اخیر به صورت کامل بررسی شده و امید است روزی در چنین گزارشی از موفقیت در مهار متغیرهای پولی صحبت شود.

### وارث بی‌قواره‌ترین آمارهای پولی

در میانی علم اقتصاد گفته می‌شود که دولت‌ها برای تحقق اهداف کوتاه‌مدت خود (این اهداف می‌تواند انتخاباتی و... باشد) و کسب درآمد، متکی به «مالیات تورمی» هستند که برای اجرای آن باید به «سیاست‌های پولی صلاح‌دید» اقدام کنند. در واقع دولت‌ها برای تأمین کسری بودجه خود باید از بانک مرکزی پول قرض بگیرند و بالاترین مقام پولی را برای اهداف کوتاه‌مدت خود مجبور به اجرای سیاست‌های صلاح‌دید کنند. بخشی از کسری بودجه فعلی در کشور ما به دلیل تحریم‌ها بروز پیدا کرده، اما نمود اصلی آن را قطعاً در عملکرد مالی و پولی مسئولان باید جست. دولت حسن روحانی در زمان روی کار آمدن خود، در انتقاد از دولت قبل از خود، به درستی روی متغیر «نقدینگی» دست گذاشته بود و دولت نهم و دهم را بابت عدم کنترل نرخ رشد آن مؤاخذه می‌کرد. این دولت همچنین از بالا بودن «پایه پولی» که معنایی جز استقراض بدون پشتوانه دولت از بانک مرکزی را نداشت، صحبت می‌کرد و عامل اصلی بالا رفتن نقدینگی و تبدیل آن به تورم در دولت نهم و دهم را چرخه «پایه پولی - نقدینگی» معرفی می‌کرد. با وجود تحلیل‌های به ظاهر درست در عمل اما نتیجه متفاوتی رخ داد. دولت روحانی از ابتدای حضور خود در سال ۹۲ تا پایان مرداد ۱۴۰۰ نقدینگی را ۸ برابر و پایه پولی را هم ۵ برابر رشد داده

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱